

سَمِ اللّٰهَ الرَّحْمٰنَ الرَّحِیْمَ

اللّٰهُمَّ سَدِّدِ السُّنَّتِنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحَكْمَةِ

خوشامد عرض می‌کنم به همگی برادران و خواهران، و تشکر می‌کنم از شرکت حضار محترم در این کار دستجمعی بسیار بااهمیت. همچنین تشکر و ژهای دارم از سخنرانان و سخنگویان چه آنهایی که مطالبی را عرضه کردند، چه آنهایی که اعتراضاتی را بیان کردند. از رؤس و مدیر برنامه، جناب آقای دکتر واعظزاده هم صمیمانه تشکر می‌کنم؛ هم به خاطر ادارهی خوب این جلسه، و هم به‌شتر به خاطر تمهید و سازماندهی اساسی که برای شکل و محتوای این جلسه، ایشان به کمک یک جمعی در طول چند ماه انجام دادند.

هدف از این جلسه و این نشستها، تبادل نظر عالمانه با جمعهای نخبگانی است درباره‌ی مسائل اساسی کشور. اگر گفته می‌شود اندیشه‌های راهبردی، بلکه در واقع سعی بر این است که به کمک اندیشه پرسش‌ها و منتها می‌توان تقسیم کرد، تنوع کرد؛ اندیشه در باب عدالت، اندیشه در باب زن و خانواده؛ بعد فهرست طولانی‌ای دارد که در حدود بیست و چند موضوع، که هر کدام از آنها عنوان اندیشه و روش دارد؛ اندیشه‌ها به این لحاظ است و آلابنا بر این است که این جمع نخبگانی با روش فکری و معنوی و کمکی که به اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهند کرد، انشاءالله در هر زمینه‌های به یک نظر واحد و یک اندیشه واحد برسیم.

البته در این جلسات، عرض این نیست که ما از صفر تا صد یک موضوع را بررسی کنیم - که عملی هم نیست - غرض، باز شدن راه مواجهه با مسائلی است که برای یک کشور و برای آینده مطرح است. می‌خواهیم بخصوص از جهات نظری گشایشی بشود، راهی باز شود، تا نخبگان کشور، مغزهای فعال کشور و مجربان در هر رشته‌ای بتوانند سهمی بر عهده بگیرند برای انتقاد یک فکر صحیح، که قاعده‌ی اجرا و عمل و برنامه‌ریزی خواهد شد؛ قصد این است. هم در عرصه‌ی نظری، ما نقاط ضعفی داریم، نقاط قوتی داریم؛ هم در عرصه‌ی کاربردی، نقاط ضعفی داریم، نقاط قوتی داریم؛ اینها در این جلسات شناخته می‌شود. با بحثی که صاحب‌نظران و مجربان هر رشته‌ای با تک‌همی بر معلومات و دستاوردهای علمی خود می‌کنند، ما می‌توانیم نقاط قوت خودمان را تشخیص بدهیم و نقاط ضعف خودمان را هم تشخیص بدهیم و درصدد اصلاح بپردازیم. می‌خواهیم آن نقاط رخنه‌پند را با نقاط سست را ترمیم کنیم، اصلاح کنیم و ضعفها را برطرف کنیم.

با بداندیم در حوزه‌ی نظرپردازی، کجا جلو می‌گیریم، کجا عقب می‌مانیم. یک جاهایی واقعاً ما جلو هستیم، در یک مواردی هم واقعاً عقب می‌مانیم. در همه‌ی زمینه‌های مسئله‌ی زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست: آیات کریمه‌ی قرآنی چه آتی که مستقیماً به این مسئله ارتباط پیدا می‌کند، و چه آتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد می‌شود، در اختیار ماست؛ اینها را باید تصور کرد؛ به شکل نظرهای و مجموعه‌های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج در برآوریم و در اختیار همه بگذاریم؛ هم در اختیار خودمان برای برنامه‌ریزی، هم در اختیار مخالفین، هم در اختیار استفسارکنندگان؛ که اشاره کردند و درست است. امروز در دنیا استفسارکنندگان و سؤال‌کنندگان از نظرات جمهوری اسلامی - که تجربه‌ی سی‌ساله‌ی را با خود دارد - زیاد شده‌اند. البته شما هم قاعدتاً اطلاع دارید، ما هم از کلانش اطلاع داریم؛ زیاد مراجعه می‌کنند، زیاد پرسند، در موضوعات مختلف زیاد می‌خواهند بدانند، که در جمهوری اسلامی چه چیزی وجود دارد. خوب، اینها را باید برای آنها فراهم کرد.

قبلاً دو تا نشست داشته‌ایم: یک نشست مربوط به الگوی اسلامی - آرائی و شرف‌ت بود، یک نشست هم مربوط به عدالت بود؛ که اگرچه دو موضوع جداگانه هستند، اما در طول هم می‌آیند. کارهای خوبی انجام گرفته. من می‌دانم برادران و خواهران این را بدانند؛ چون در کاری که از حالا به بعد می‌خواهیم نسبت به موضوع آشفته باشیم، تأذیر می‌گذارد. بدانید کار با جدیت پیش می‌رود. آقای دکتر واعظزاده اشاره کردند. تفصیل کارهایی که شده، بیش از آن مقداری است که حتی ایشان به عنوان گزارش گفتند؛ چون بنای بر اختصار داشتند. کارهای جدی خوبی شده. بخصوص این مرکزی که برای الگوی اسلامی - آرائی و شرف‌ت تشکیل شد، با کمک محققین مشغول کارهای بسیار خوبی است. در واقع این جلسات هر کدام بذری را در یک سرزمین مستعد می‌پاشد. آری این سرزمین به عهده‌ی عواملی است که بعضی تا حالا تمهید شده‌اند، بعضی هم در فکر هستیم که انشاءالله تمهید بشوند. البته فضای عمومی جامعه هم کمک می‌کند تا بیاید. ما خیلی عجله هم نداریم. البته ما می‌کارها سرچشمه برود - معنی با تنبلی و عقیماندگی و اینها هیچ موافق نیستیم - اما شتابزدگی در کار نیست. ما نمی‌خواهیم شتابزده کار کنیم؛ می‌خواهیم کار، متین، عمیق، ماندگار، قابل عرضه و قابل دفاع از آب دربار انشاءالله این جلسات - هم این جلسه، هم دو جلسهی قبلی - این نقش را ایفا خواهد کرد؛ من یک اطمینانی به این معنا دارم.

مسئله‌ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه‌ی یک است. دوستان، خانمها و آقایانی که آمدند صحبت کردند،

۱ بن معنا را ثابت کردند. هیچ لزومی ندارد که ما بش از آنچه شما گفته‌اید و خ لمی وسع و خوب بان کرد، چه زی بگوئیم. خود بان بان نشان داد که مسئله بسیار مهم است. اولاً نقش و سهم بانوان در نظام، یک نقش فوقالعاده و ممتاز است؛ همچنان که در اصل انقلاب، نقش بانوان ممتاز بود. حالا شما جوانهای عزیز که در جلسه هستند و در دوران مبارزات نبودند، در دوران انقلاب نبودند، نه دانند آنجا چه اتفاقی افتاد؛ جز از طریق گزارشهایی که همایش هم متأسفانه ناقص است. همهی گزارشهایی که از دوران مبارزه و دوران انقلاب بان رون آمده، گزارشهای ناقص و یکجانبه و کوتاه است. یک کار بزرگی هم در این زمینه داریم، که اگرچه جزو اند شههای راهبردی نیست، اما جزو کارهای راهبردی است و انشاءالله بان دنبال شود. آن کسانی که سابقه دارند، بدانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بان بجز بان داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم بان تظاهرات عظیم، آن اثر را نم بخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد. یعنی اول بن حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض بان هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکتی مردانه راه افتاد. هم در مبارزات بان مجبور بود، هم در این فای نقش در تشک بان نظام، هم در دوران سرعت پد بان آمده بعد از تشک بان نظام؛ یعنی دوران جنگ، دوران محنت، دوران امتحان سخت «حتی اذ ضاقت علیهم الأرض بما رحبت» (۱) اوضاع و احوال در دوران جنگ سخت شد. حالا بعضیها جنگ را از تلو زبون و راد و واینها شنفتند، بعضیها با جسم و جان و تن خودشان توی میدان جنگ بودند. این گزارشهای پر از حماسه و شور که از جنگ داده میشود، همایش هم درست است - من چون خ لمی از این کتابهای مربوط به خاطرات رزمندگان را میخوانم، میبینم همهی اینها درست است - آن شور و شوق و آن عشق به مجاهدت و شوق به شهادت و عدم بان از مرگ و اینها، همایش هم نی است که توی گزارشها هست و درست است؛ مکن نگاه کلان به جنگ، یک نگاه کاملاً محنتبار بود. خوب، آن گردانی که جلو با شوق و ذوق دارد میجنگد، او که نم دانند توی قرارگاه اصلی نسبت به مجموعهی جبهه چه حالتی وجود دارد، چه ضعفهایی هست، چه نگرانیها و دغدغههای جدی است و پشت سر قرارگاه اصلی، در سطح کلان، در کشور، چه کمبودهایی، چه دلهرههایی وجود دارد. دوران سختی بود. در این دوران سخت، نقش زنان، یک نقش فوقالعاده بود؛ نقش مادران شهدا، نقش همسران شهدا، نقش زنان مباشر در میدان جنگ، در کارهای پشته بانی و بعضاً بندرت در کارهای عملیاتی و نظامی - که من بخش کارهای پشته بان را خودم از نزدیک در اهواز دیدم - یک نقش فوقالعاده بود. زنها حتی در بخشهای نظامی هم فعال بودند؛ هم بن نوشتهی خانم حسینی - ۱۵ - بان نشان میدهد. اینها یک مجموعهی کاری است که واقعاً با هیچ معاری، با هیچ ترازویی قابل اندازه گیری نیست. مادر، مادر شهید، مادر دو شهید، مادر سه شهید، مادر چهار شهید؛ شوخی نیست؛ آنها به زبان آسان نیستند. بچهی انسان سرما میخورد، دو تا سرفه میکند، چقدر نگران میشود؟ یک بچهی انسان برود کشته بشود، دومی برود کشته بشود، سومی برود کشته بشود؛ شوخی است؟ و این مادر با همان احساسات مادرانهی سالم و جوشان و پرفوران، آنچنان نقشی ایفاء کند که صد تا مادر دیگر تشویق بشوند بچههایشان را بفرستند میدان جنگ. اگر این مادرها آن وقتی که جنازهی بچههایشان آمد آمد حتی نم آمد، آه و ناله میکنند، گله میکنند، چه چاک میکنند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ میکنند، مطمئناً جنگ در همان سالهای اول و در همان مراحل اول زنگ میزد. نقش مادران شهدا بان است.

همسران صبور شهدا، زندهای جوان، شوهران جوان خودشان را در آغاز زندگی شرف بان خانوادگی مورد آرزو از دست بدهند. اولاً راضی بشوند بان شوهر جوان بلند شود برود جائی که ممکن است برنگردد؛ بعد هم شهادت او را تحمل کنند؛ بعد هم افتخار کنند، سرشان را بالا بگیرند. اینها آن نقشهای بان باند است. بعد آنچه که تا امروز ادامه دارد، همسری بان جانبازان است. خانمهایی رفتند همسر جانبازان شدند. یک مرد ناقص معنوی باناً بد اخلاق به خاطر وضع جسمی بان اختلالات ناشی از موجرفتنی و غره را انسان به عنوان یک متعهد و یک مسئول، داوطلبانه و بدون هیچ اجباری برود پذیرد؛ اماش را به عهده بگیرد، خ لمی فداکاری کرده است. یک وقت شما میگوئید من میآیم روزی دو ساعت از شما پذیرد؛ من نمیکنم. خوب، هر روزی که شما بروید، او از شما تشکر میکند. یک وقت هست که نخور، شما خودتان را به عنوان همسر او توی خانهی او میگذارید؛ شد بدبختکار! یعنی طبیعت کار بان است که بان شما بان کار را بکنید. اینها بان فداکاری را کردند. اصلاً نم شود نقش زنان را محاسبه کرد.

و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود - مثل خ لمی چه زهای دیگر که اول او فهمید، در حالی که هچکدام از ماها نم فهمیدیم - همچنان که امام نقش مردم را فهمید. امام تأثیر حضور مردم را درک کرد، آن وقتی که هچ کس درک نم کرد. بزرگانی بان یک تعبیرات زشتی به ما میگفتند که شما فکر میکنید با همه بن مردم میشود کار بزرگی انجام داد؟! آنچنان با تحقیر حرف میزدند، گمانه اصلاً انسان نیست آن کسی که

به او اشاره می‌کنند! امام نه؛ امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، تواناها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد. امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل‌پاک بزرگ نورانی به روضه آمد، اثر گذاشت؛ لذا همه آمدند تویی می‌دان. آن روزی که روز تشکر بود، از همگی قشربا آمدند تویی که تهنیت دانشجو آمد، استاد آمد، طلبه آمد، عالم طراز بالا آمد، مردم کوچک و بازار آمدند؛ آمدند عضو که تهنیت شدند. آن روزی که نوبت جنگ شد، همه به دستور امام رفتند داخل می‌دان جنگ شدند. آن روزی که امام در اواخر عمرش فرمود با ما برو، بساز، درست کن - استغناء - آمدند وارد می‌دان سازندگی شدند. آن راهگشاها را تا امروز هم ادامه دارد. به نظر من الان هم هرچه ما داریم پیش می‌رویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده با ما دنبالش برویم. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست می‌شود.

امام در زمه نهی زن هم هم می‌جور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ و آلا بودند بزرگانی از علما که ما با آنها بگومگو داشته‌ایم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند! آنها می‌گفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه می‌داد، خاطر جمع می‌شد، تا بتواند در مقابل این مجور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه می‌شد، با سست، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای تعالی تا ابدالابد این برای این مرد بزرگ باد.

به هر حال نقش زنان، یک نقش بلند می‌است. پس خود این نقش، اقتضاء می‌کند؛ چون آمده دارد. تازه از عمر انقلاب، سی و دو سال گذشته. سی و دو سال برای یک انسان هم عمر جوانی است، چه برسد برای یک تاریخ. این نظام الهی با صد سال عمر کند. ما هنوز در اول جوانی‌ها هستیم. آمده است که ما در حضور زنه در مجموعه‌ی حضور ملی. پس با سستی ما راجع به مسئله‌ی زن و حفظ این ظرفیت که در جامعه‌ی ما وجود دارد، تلاش کنیم. این در اول است برای اینکه با ما به مسئله‌ی زن بپردازیم. در اول دوم، مسئله‌ی خانواده است. گویندگان محترم امشب درباره‌ی خانواده بسیار بحث‌های خوبی کردند. حقاً بحث‌ها خوب بود. من اگر بخوام داوری کنم، خواهم گفت که متوسط بحث‌ها از سطح خوب بالاتر بود؛ حرف‌های درست، آمارهای خوب، استنباط‌های خوب، استنتاج‌های خوب، از زواای مختلف. یک قضیه‌ی چندبعدی را، از هر بعدی، یک صاحب‌نظری، یک اندیشمندی بررسی کرد. نورافکن‌ها را انداخته ما به یک کوهی این موضوع حساس و مهم. انسان می‌تواند این زواا را ببیند. ما واقعاً استفاده کردیم.

بنابراین مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ یا همی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دستگردد؛ اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دستگردد؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غر از سلولها چرزد نگری نیست. هر جهازی، مجموعه‌ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله‌ی اینقدر مهم است دارد.

جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده‌ی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد به شرف کند. بالخصوص در زمه نهیهای فرهنگی و البته در زمه نهیهای فرهنگی، بدون خانواده‌های خوب، امکان به شرف نیست. پس خانواده لازم است. حالا نقض نشود که شما می‌گوئید در غرب خانواده نیست، به شرف هم هست. آنچه که امروز در و رانی بنام خانواده در غرب روزبهر روز بیشتر دارد نمودارهاش ظاهر می‌شود، اینها اثرش را خواهد بخشید؛ چه عجولانه نباشد داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی این مجور نیست که زودبازده و زوداثر باشد؛ اینها بتدریج اثر خواهد گذاشت؛ کما اینکه تا حالا هم اثر گذاشته. آن روزی که غرب به این به شرفتها دست پیدا کرد، در آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتی مسئله‌ی جنسیت با همان رعایت‌های اخلاقی جنسی - البته نه به شکل اسلامی، بلکه به شکل خاص خودش - وجود داشت. اگر کسی با معارف غربی آشنا باشد، هم در اروپا و هم بعداً در آمریکا این را می‌بیند و مشاهده می‌کند. این مسئله‌ی رعایت‌های اخلاقی دو جنس نسبت به یکدیگر، مسئله‌ی حجاب، پرهیز از تهنیت، اینها چه زهائی بود که آن روز وجود داشت. این بلندوبارها و اباها بگره‌ها بتدریج در آنجا به وجود آمده. آن روز که زمه نهیهای فراهم شد و به اینجا رسید. وضع امروز هم فردای بسار تلخ و سختی را برای آنها رقم می‌زند. این هم جهت دوم.

جهت سوم هم این است که در این سی و دو سال، مسئله‌ی زن از نظر جبهه‌ی دشمنان ما، در یکی از بلانسه‌های جدول اعتراضها به ماست. از اول انقلاب روی مسئله‌ی زن تکیه کردند، به ما اعتراض کردند، در ردیف ترورسیم و در ردیف نقض حقوق بشر قلمداد کردند. هنوز هیچ خبری هم نبود. معلوم هم نبود که جامعه‌ی اسلامی با جنس زن چه کار خواهد کرد. آنها شروع کردند که: اسلام علیه زن است، اسلام چنان است. البته این مسئله تا امروز هم ادامه دارد. خوب، ما در

۱. زن نه با سستی مواجهه کند، مقابله کند. افکار عمومی جهان را نه شود دستکم گرفت. همه که مغرض نیستند، همه که خبائت ندارند؛ خبائت مال یک عده‌ی خاص است، مال استگران و استسازان و برنامهریزان و انبساط‌مانند اجازه بدهد که عامه‌ی مردم دچار آن اغوای بزرگ قرار بگیرند؛ لذا باید وارد شویم.

البته این را هم بگوئیم؛ غرب‌رندانه از زیر بار طرح مسئله‌ی خانواده در می‌رود. تویی هم‌بختی‌هایی که اینها میکنند، بحث زن هست، اما اصلاً بحث خانواده نیست. خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب است. مسئله‌ی زن را مطرح می‌کنند، اما اصلاً اسم خانواده را نمی‌آورند؛ با اینکه زن از خانواده جدا نیست. بنابراین رسدن به این مسئله، لازم است.

خب، این جلسه هم که خیلی خوب بود. آنچه که ما در این جلسه فهمیدیم، علاوه بر استفاده‌هایی که از محتوای مطالب دوستان کردیم، مهم این بود که فهمیدیم در حوزه‌ی زن و خانواده، از لحاظ علمی - کارشناسی، کارهای برزخه‌نمانده‌الی ماشاءالله داریم. اینقدر کار برزخه‌نمانده داریم که بعضی از هم‌بختی‌شنهادهایی که دوستان کردند - که مرکز چینی تشکیلی شود، مرکز چنانی تشکیلی شود - هم‌باش درست است؛ با واقعاً بشود. البته ما قبلاً با دوستانی که در دفتر هستند، آقای واعظزاده و دیگران، درباره‌ی ادامه‌ی کار این نشست در مورد مسئله‌ی زن و خانواده صحبت کردیم؛ کارهایی در ذهن دارند. هم در زمینه‌ی مسائل نظری پیردازی کارهای مهمی انشاءالله انجام خواهد گرفت، هم در زمینه‌ی گفتمان‌سازی، و هم در زمینه‌ی نزدیکی کردن این گفتمان به اجرا؛ که البته اگر به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست. معنی همان اشکالاتی که به مجلس و شورای نگهبان و دولت و غیره دارند، هم‌بختی‌ها برطرف می‌شود. گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفس می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. با این گفتمان‌سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش رسانه‌ها و بالخصوص نقش روحان و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است.

خب، ما با این در این زمینه، خلأهایی نظری را پر کنیم. نتیجه این خواهد شد که سرمایه‌گذاری پژوهشی در حد طاقت لازم است؛ این را ما تصدیق می‌کنیم. ما با مراجع‌هایی به مقاله‌های دوستان - که چکیده‌ی مقاله‌ها و خود مقاله‌ها را قبلاً به من دادند، من هم یک مروری کرده‌ام - به این نتیجه رسیدیم که با سستی مجموعه‌ی نظام، سرمایه‌گذاری مهمی در حد طاقت و امکانات خود در زمینه‌ی پژوهش در این مسئله بکنند.

دوم: بررسی و نقد نظر‌هایی رائج دنیا، بدون انفعال. این مسئله‌ی بدون انفعال، خیلی مسئله‌ی مهمی است. البته من امشب از اول این سخنران که مطالبی را بیان کردند، تا آخر، این روح را دیدم؛ دیدم نگاه، نگاه انتقادی است به وضعی که در غرب در مورد زن و بخصوص در مورد خانواده وجود دارد. البته انتقادهایی که شما به غرب کردید، بیشتر در زمینه‌ی خانواده بود؛ اما عده‌ی مهمی من این است که بیشتر در جنبه‌ی غرب در مسئله‌ی زن و خانواده، در نگاهش به زن است؛ و این را با یک جمله و دو جمله نمی‌شود توصیف کرد. بزرگترین ضربه و اهانت به کرامت زن را هم این است غربی دارد انجام می‌دهد. هم‌بختی‌های افراطی هم - که خب، لا‌بختی‌های متعددی دارند - من بحث لا‌شعر دارند به زن ضربه می‌زنند. حالا من بحث لا‌شعر که می‌گوئیم، نگاه خوشبختانه است - معنی اینها اینست که دست‌اندرکارند، ظاهراً نمی‌فهمند چه کار دارند می‌کنند - احتمال دارد استگزارانی، برنامهریزی در پشت صحنه هستند که آنها نمی‌فهمند دارند چه کار می‌کنند؛ کما اینکه این احتمال در همان پروتکل‌های صحنه‌ی سیم کاملاً پیش‌بینی شده. معنی ضایع کردن جنس زن و او را مظهری برای استفاده‌ی شهوانی مرد قرار دادن، در مواد آن پروتکل‌ها هست. حالا ممکن است کسی در اعتبار و صحت سند آن پروتکل خدشه کند، لیکن وقتی آدم دستگاه صحنه‌ی سیم و شبک‌ی تبلیغاتی صحنه‌ی سیم را ملاحظه می‌کند، می‌بیند عملاً هم این کار را می‌کنند؛ حالا اگر هم برایشان واجب نشده، به نحو مستحب دارند انجام می‌دهند؛ ملتزمند این کار را بکنند، و دارند می‌کنند. زن را ضایع می‌کنند. معنی آنچنان رسم و عرف و عادت لا‌تخلف شده که کسانی جرأت نمی‌کنند برخلاف آن رفتار کنند. در یک مجلس رسمی، یک مرد با لباس رسمی با یک پاپون بزند، قهقش بسته باشد، آستینش هم تا سر میچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارک بپوشد، نه اجازه دارد شلوارک بپوشد؛ اما یک خانم در همان جلسه رسمی، حتماً با سستی بخش‌های مهمی از بدنش عریان باشد؛ اگر پوشیده‌ی کامل با این، محل اشکال است؛ اگر بدون جدا‌بختی‌ها با این، محل اشکال است؛ اگر آراشکرده با این، محل اشکال است؛ این شده عرف. افتخار هم می‌کنند. در غرب، بخصوص در آمریکا و در شمال اروپا - کشورهای اسکاندناوی - مراکز مهمی وجود دارد که اصلاً بنای کارش بر عرضی جنسی زن در مقابل مرد است؛ در روزنامه‌ها و مجلات هم تبلیغ می‌شود، هیچ کس هم اعتراض نمی‌کند؛ این شده عرف، این شده عادت. چه ضربیه‌ی برای زن از این بالاتر؟ الگو درست کردن برای زنان به این شکل - زنان خودشان را می‌گویند، و کشورهای که دنباله‌رو آنها می‌ند، نه زنان ما را - یکی از بزرگترین ضربه‌هایی است که دارند می‌زنند. بنابراین نباید در

مقابل این فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیه زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیق به سر می برد. فقط خانواده نیست بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در یک گمراهی عجز بی است.

ما با دیدن برسر راهها، از دارائیهای علمی خودمان - که کم هم نیست - استفاده کنیم. دهها نظر و الگوی مترقی در همه زمینه زن و خانواده می شود استخراج کرد. اینها نظر پیردازی بشود، تئوریزه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای مأمومت و بلندمدتی است که حتماً با سستی انجام بگیرد. تعالی هم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث با دیدن مورد استفاده قرار بگیرد.

البته من یک چند تا اید داشت اینجا نوشتهم، اما هم وقت کم است، هم خیلی از حرفها هم بی جا زده شد؛ بنابراین از این نیست که حالا بنده هم آنها را تکرار کنم. از مجموع این چند زبانی که من نوشتم، آنچه که ما می بینیم اینجا عرض کنیم، این است که فی الجمله نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - یک نگاه فوقالعاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عاداتی و سنتی عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهایی با ما تماس می گیرند - ما از مجلس، از حوزه، از مراجعات گوناگون مردمی، از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را می گویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط به زن است. ما می بینیم که مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکن داشته باشد، حقاً قناعتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته، مودت و رحمت به زن اینها باشد، و اگر «و لهن مثل الذی علیهن» (2) در خانواده رعایت شود - این چند زبانی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات به روتن خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً برای اینها فائق می آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه اجتماع هم خواهد توانست.

هم در مسئله خود زن، هم در مسئله خانواده، اسلام حرفهای جالب، برجسته و مهم دارد. اولاً نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ای دو است؛ نگاه اول و درجه‌ای یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است. البته «ایها الذین آمنوا» است، «ایها الذین آمنوا» یعنی صغیراً، صغیراً، صغیراً، صغیراً، نه صغیراً زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیگر است؛ آن عوامل هم برای ما روشن است. حالاً نمی خواهم وارد آن بشوم که چرا ما مثلاً در زبان فارسی جمعیت را می گوئیم مردم؛ از مردم می گوئیم، نه می گوئیم زنم؛ در انگلیسی «HUMAN»، چرا «MAN»؟ این نشانه‌ای نیست که غلبه فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چیز تصرفی کرده؛ نه، این یک عوامل دیگر دارد. بالاخره در داخل خانواده، مرد نمایی به روتن است، زن نمایی داخلی است. بخواهیم یک خرده ذوقاً بگوئیم، مرد پوست بادام است، زن مغز بادام است. از این قبیل تعبیرات می شود کرد. مرد ظاهرتر است، ساختمان او انبجوری است؛ خدای تعالی او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگر؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است؛ به خاطر همه این خصوصیات، نه به خاطر ترجیح. اما در زمینه مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خوب، شما ببینید در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبه‌های فوق تصور امثال ماهاست. در آیه‌های شریفه سوره‌های احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ شاید اصلاً این همه به خاطر همه این است که خواستند آن تصورات جاهلی مربوط به زن را بگویند: «ان المسلمة بن و المسلمات و المؤمنة بن و المؤمنات و القانتة بن و القانتات و الصادقة بن و الصادقات و الصابرة بن و الصابرات و الخاشعة بن و الخاشعات و المتصدقة بن و المتصدقات و الصائمه بن و الصائمات و الحافظة بن و الحافظات و الذاکرة بن الله کثره را و الذاکرات». از اسلام تا ذکر، یک سلسله مدارک متدرجی هم وجود دارد. آدم در این تعبیرات دقت کند، این را بداند که «اعد الله لهم مغفرة و اجرا عظیماً». (3) همه جا مرد، زن: مرد خاشع، زن خاشع؛ مرد متصدق، زن متصدق؛ با هم هیچ فرقی ندارند.

در سوره‌های مبارکه‌ی آل عمران، بعد از آن «ربنا» ها می گویند: «فاستجاب لهم ربهم انی لا اضع عمل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض» (4). مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. حتی یک جا برای کوبیدن همه این اندیشه‌های جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا می کشد؛ که یک چیز در حالتی را جز در مورد اشخاص، انسان در قرآن ذکر نمی کند؛ «ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط». (5) نمودار کفار، این دو تا زنند: «امرأت نوح و امرأت لوط». نه نمودار برای زنها؛ نه، برای زن و مرد. «کانتا تحت عبد بن من عبادنا صالح بن فخانتاهما» (6) تا آخر. «و ضرب الله مثلاً

لذ بن «امنوا امرأت فرعون»؛ خدای متعال ا نجا هم برای مؤمن بن دو تا زن را اسم ه آورد. حالا شما بن بن از اول تاریخ تا آخر دن ا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحا، اول اء، انب اء آمدند و رفتند. وقتی م خواهد برای ا نها یک نمودار، یک مجسمه، یک نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی م کند: یکی «امرأت فرعون» - اذ قالت رب این لی عندک بن تا فی الجنۃ و نجنی من فرعون و عمله» (7) تا آخر - دوم «و مر م ابنت عمران الی احصنت فرجها فنفخنا ف ه من روحنا و صدقت بکلمات ربها» (8) اصلاً چ ز عجب بی است. بنابراین جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است در کارکردهای زندگی معنا پ دام کند، در سه اصلی بشر ه بچ تأثر ری ندارد و معنایی پ دام نم کند. حتی کارها شان با هم متفاوت است. «جهاد المرأ حسن التبعه»؛ (9) معنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی م دان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر ا بن کار، به ا بن زن م دهند؛ چون ا بن کار هم زحمتش کمتر از آن بن است. البته شوهرداری خ لمی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بد اخلاقهاشان، با صدای کلفتشان، با قد بلند ترشاه خب، زنی بتواند با ا بن شرایط، محیط خانه را گرم و گر را و صم می و دارای سکینه و آرامش - سکن - قرار بدهد، خ لمی هنر بزرگی است ا بن واقعاً جهاد است ا بن شعبهای از همان جهاد اکبری است که فرموده اند؛ جهاد با نفس است. حالا در مورد خانواده، حرف خ لمی ز ادا است. مسئله همسری، مسئله مادری، ا نها همهاش با م تفک یک شود. زن در خانواده یک نقش همسری دارد؛ ا بن نقش همسری، فوقالعاده است ولو اصلاً مادر ای وجود نداشته باشد. فرض کن م زنی است اما م بن است به زانمان، ا به هر دل لمی امکان زانمان بر ا ش وجود ندارد؛ اما همسر است. نقش همسری را بنا م دستکم گرفت. ما اگر م خواه م ا بن مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، با م ا بن زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ و آلا نم شود.

ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پ روزی انقلاب، آزما ش کرد م مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پا دار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خط درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به ا بن دخترها و پسرهایی که م آمدند خطبهای عقدشان را م خواندم - آن وقتهایی که م خواندم؛ حالا که توفیق ندارم - م گفتم خ لمی از خانمها هستند که شوهرهاشان را اهل بهشت م کنند؛ خ لمی خانمها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنم م کنند؛ دست آنهاست. البته مردها هم م نا هم بن نقش را دارند. در باب خانواده، نقش مردها را هم با سستی نادیده نگرفت. بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمی است. بعد هم نقش مادری است که خب، ا نجا مفصل باناتی کردند و خ لمی بحث ز ادا است.

از جملهی مسائلی که مطرح م شود، مسئله اشتغال بانوان است. اشتغال بانوان از جملهی چ زهائی است که ما با آن موافق م. بنده با انواع مشارکتهای اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغالات سیاسی و اجتماعی و فعالتهای خ رخواهانه و از ا بن قبل باشد؛ ا نها هم خوب است. زنها نصف جامعه اند و خ لمی خوب است که اگر ما بتوان م از ا بن زن م جامعه در زمه نبی ا نگونه مسائل استفاده کن م؛ منتها دوسه تا اصل را با م ندیده نگرفت. یک اصل ا بن است که ا بن کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحتالشعاع قرار ندهد. م شود هم. به نظرم م رسد مواردی داشته م که خانمهایی ا بنطور عمل م کردند. البته یک قدری به آنها سخت م گذرد؛ هم درس خواندند، هم درس دادند، هم خانهداری کردند، بچه آوردند، بزرگ کردند، تربیت کردند. پس ما با آن اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هست م که به ا بن قضیهی اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون ا بن جا بگز بن ندارد. شما اگر بچهی خودتان را در خانه تربیت نکرد م، ا اگر بچه ن آورد م، ا اگر تارهای فوقالعاده ظرف عواطف او را - که از نخهای ابر شمش ظرفتر است - با سرانگشتان خودتان باز نکرد م تا دچار عقدهی [عاطفی] نشود، ه بچ کس م گرنه تواند ا بن کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی م گزائ فقط کار مادر است. ا بن کارها، کار مادر است اما آن شغلی که شما برون دار م، اگر شما نکرد م، ده نفر م گزائ م ستاد هاند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با ا بن کاری است که بدل ندارد؛ تع بن با ا بن است.

آن وقت هم بن جا وظفهای بر دوش دولت است. با م به آن خانمهایی که حالا به هر دل لمی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تماموقت از مهوقت را قبول کرده اند، کمک بشود تا بتوانند به مسئلهی مادری برسند، به مسئلهی خانهداری برسند. با مرخصها، با زمان بازنشستگی، با مدت کار روزانه، به نحوی با سستی دولت کمک کند تا ا بن خانمی که حالا به هر دل لمی آمده ا نجا شاغل شده، بتواند به آن قضیه هم برسد.

دوم بن مسئله، مسئله محرم و نامحرم است. مسئله محرم و نامحرم در اسلام جدی است. البته بخش عمدهای از ا بن قضیهی محرم و نامحرم باز بر م گردد به خانواده. معنی چشم پاک و دل بوسوسه و ر م برای هر یک از زوج بن

موجب می شود که محط خانواده از طرف او تقویت و گرم شود؛ مثل یک کانون گرمابخشی، محط را گرم می کند. اگر آن طرف مقابل هم همین چشم پاک و دل خالی از وسوسه را داشت، طبعاً بن دوجانبه خواهد شد و محط می شود محط کانون خانوادگی گرم و بامحبت. اگر چنانچه نه، چشم خائن، دست خائن، زبان دو وجه، دل بلامحبت و بلااعتقاد به همسری وجود داشت، ولو ظاهر ساز لهایی هم باشد، محط خانواده سرد می شود.

در مقالات دوستان خواندم که هم بن برون رفتنها و هم بن اشتغالات و اینها موجب می شود که گاهی سوءظنهای بجا به وجود بیاید. این فرق نمی کند؛ بالاخره اگر سوءظن پیدا شد، چه سوءظن، مستند درستی داشته باشد، چه نداشته باشد، اثر خودش را می بخشد؛ مثل گلولههایی است که از این لوله برون می آید؛ اگر توی سینه کسی خورد، می کشد؛ چه این شخص عامد باشد، چه اشتبهاً دستش رفته باشد روی ماشه. گلوله فرق نمی گذارد. گلوله نخواهد گفت چون کسی که من را شلک کرد، عامد نبود، پس من سینه ای بن طرف مقابل را ندرم نه، گلوله می درد. این سوءظن کار خودش را می کند؛ چه منشأ درستی داشته باشد، چه ناشی از وسواس و مثلاً تصورات و توهمات بجا باشد.

یک نکته هم مسئله ازدواج است. ازدواج یک تقدسی دارد از نظر ادانی که حالا من می شناسم. من در این خصوص، تفحص زیادی نکردم. بد هم نیست که بعضی از دوستان آمادگی به کار در این زمینه نه تفحص کنند. غالباً مراسم ازدواج، یک مراسم مذهبی است؛ مسجدها آن را توی کلاس انجام می دهند، هودها آن را در کنائشان انجام می دهند؛ مسلمانها هم اگر چه در مسجد انجام نمی دهند، اما اگر بتوانند، در مشاهد مشرفه، والا در امام متبرک دینی و عمدتاً به وسایلی رجالی دین، این را انجام می دهند. رجالی دینی هم وقتی برای ازدواج نشست، مبالغی دین باین می کند. بنابراین صبغه کاملاً صبغی دینی است. ازدواج یک جنبه قدسی دارد؛ این جنبه قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه قدسی به هم بن کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ما رائج شده. این مهریهایی سنگ بن به خیال آنکه می تواند پشتوانی حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعین می شود؛ در حالی که اینجور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن امتناع می کند، می بردنش زندان یک سال، دو سال زندان می ماند. در این اقدام، به زن چیزی نمی رسد؛ او بهرهای نمی برد، جز اینکه کانون خانوادهاش هم متلاشی می شود. اینکه در اسلام از حضرت امام حسن بن علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسنه عقد نکردیم، به خاطر این است و آلا می توانستند. اگر امام حسن می خواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، می توانست لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده و نیم اوقه - می داد به این کار بشود. آنها می توانستند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است این خیالی خوب است.

اینهم بن تشریفات زائد ازدواج - خرجهای زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش می گدرد وقتی می شنود. اینها از آن مواردی است که گفتمانسازی می خواهد. خانمهای مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانان، بخصوص صدا و سمنها و رسانهها با این در این زمینه آنها کار کنند؛ این را از این حالت برون بیاورند.

یک کلمه هم درباره نقش مردان عرض کنم. در خانواده هی گفته می شود نقش زن. دلمش هم واضح است چون زن در خانواده عنصر محوری است. اما اینجور نیست که مرد در خانواده وظیفه و مسئولیت و نقشی نداشته باشد. مردهای بلخالی، مردهای بلاعاطفه، مردهای عاقل، مردهای قدرشناس زحمات زن خانه، اینها به محط خانه لطمه می زنند. مرد با قدردان باشد. جامعه با قدردان باشد. حتماً با سستی بر روی کارزنهای خاندان ارزشگذاری و ژه بشود. بعضی می توانستند بروند کار بگریزند، بعضی می توانستند تحصیلات عالی بکنند، بعضی تحصیلات عالی هم داشتند - من دینم زبانی را از این قبل - گفتند ما می خواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفته می کار بگریزند. زن نرفته کار بگریزد، آن کار هم زمن نمانده؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. با این اندازه اینجور زنی قدردانی شود. در بانای که حضرات فرمودند، این بود که مثلاً مهیائی برای اینها در نظر گرفته شود. بله، تأمین اقتصادشان، به مهشان، بقیه چیزهایی که لازم است، با این در نظر گرفته شود.

فرزندان هم نقش دارند. یکی از مهمترین بخشهای خانواده، فرزندانند؛ نقش آنها هم احترام به والدین است. که در این حال اینهم داستان مفصلی است.

به هر حال از شما تشکر می کنم. من از این جلسه راضی هستم. الحمدلله جلسهی خوبی بود. انشاءالله خداوند هم از همهی ما راضی باشد و زحماتی که کشیدید، منظور نظر حضرت بقه الله (ارواحنا فداه) باشد و کار هم انشاءالله دنبال شود و دنبال می شود. یک طرح خوبی هم در زمینه سستی کار بنالمللی در خصوص زن مطرح شد، که حالا مجال نشد درباره آن صحبت کنیم. من آن طرح را دیدم و آن را تأیید می کنم. از نظرات خانمی هم که درباره مسائل

بنالمللی صحبت کردند، ه شود استفاده کرد. خوب است یک کار بنالمللی در زم نهی زنان انجام بگ رد.

خداوند متعال به همهی شماها خ ر بدهد. پروردگارا! رحمت و فضل و هدایت خودت را برا بن جمع نازل کن.
پروردگارا! آنچه گفته بش و شنید بش و انجام داد بش و خواه بش داد، برای خودت و در راه خودت و خالصاً و مخلصاً قرار
بده. پروردگارا! آن را از ما قبول بفرما. پروردگارا! توفیقات خودت را برا بن جمع و بر همهی ملت ا ران و بخصوص بر
مسئولانی که در ا بن زم نه مسئولتهای ز ادی دارند، نازل بفرما.
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

- (1) توبه: 118
- (2) بقره: 228
- (3) احزاب: 35
- (4) آل عمران: 195
- (5) تحر م: 10
- (6) تحر م: 10
- (7) تحر م: 11
- (8) تحر م: 12
- (9) کافی، ج 5، ص 9